

دجال شناسی

بنام خدای مهربان مہر افزای

دجال کیست و یا چیست؟

دجال در لغت معنی های بسیار و مختلفی دارد ولی اصلی ترین و مشهورترین معنی آن به معنی شخص بسیار پرفریب و حيله گر می باشد و کسی که با روغن مالی و یا اصطلاحاً ظاهر سازی چیزهای پلید و زشت را با روکشی از امور به ظاهر زیبا برای مردم خوب جلوه می دهد.

در پندار شناسی مذهبی و باورهای دینی ، دجال لغتی بسیار آشنا و مشهور است چرا که ادیان مختلف و کهن توحیدی دنیا در مورد ظهور این پدیده ی شوم در آخر زمان هشدار داده اند در دین مسیحی و یهودی با نام آنتی کریست یا ضد مسیح در دین اسلام با نام مسیح دجال و یا دجال در دین زرتشت با نام اژدیهاگ از آن یاد شده که در آخر زمان در دنیا ظاهر می شود و مردم را به گمراهی می کشاند.

و اما در اینجا ما می خواهیم این پدیده را از دیدگاه روایات اسلامی و نیز تطبیق آن با واقعیات امروزی مورد بررسی قرار دهیم

در روایات اسلامی بیشتر با اصطلاحات نمادین از دجال یاد شده علت نیز آن است که مردم آن زمان با پیشرفتهای بشر امروزی که دجال از آن برخوردار است آشنا نبودند بنابراین بزرگراه دینی با اصطلاحات نمادین آن زمان سعی می کردند این پدیده را برای مردم آن دوران و البته برای زمان ما توضیح دهند.

مثلاً می گفتند مرکب دجال الاغ است و خر دجال در روایات دینی مشهور است ، کنایه از اینکه مرکب تسلط دجال بر مردم دنیا نا آگاهی و حماقت و کم دانشی آنهاست بنابراین خر اینجا نماد حماقت مردمان است . و یا دجال به به ابر می گوید ببار و می بارد ، به کوه می گوید از جلو

راه من کنار برو و او کنار می رود، و اینجا این اصطلاحات ، کنایه از قدرت تکنولوژی امروزی نظام حاکم و سلطه ی جهانی است که این تکنولوژی را در اختیار دارد و وسیله ی آن ابرها را بارور می کند و باعث باران می شود و یا با تجهیزات فنی تونل ها را حفر می کند و راهها را از میان کوهها درست می کند پس کوه نیز مانع او نیست .

و اما گاهی نیز برخی روایات اسلامی به صراحت از مشخصات خاص دجال سخن می گویند تا مردم این زمان او را به درستی بشناسند و با وی همکاری نکنند . مثل این روایت پیامبر ص که فرمود: « هیچ پیامبری نبوده مگر از فتنه ی دجال امت خود را بیم داده ولی من چیزی از وی می گویم که هیچ پیامبری نگفته ، بدانید او یک چشم دارد»

و اکنون می دانیم که گروهی مخفی و بسیار قدرتمند و مخوف بر تمام شئون سیاسی ، اجتماعی ، مالی ، فرهنگی دنیا حاکمیت مطلق دارند و نمادهای گوناگون در سراسر دنیا دارند ولی مهمترین نماد آنها نماد « تک چشم » است که گاه بر بالای یک هرم یا مثلث نقش بسته است و این نماد بر روی تمام مراکز قدرت سیاسی ، اقتصادی چون بانک ها و شرکت های بزرگ ، و یا محل کار خبرگزاری های بزرگ و مراکز استقرار نیروهای نظامی و سرویس های جاسوسی دنیا نقش بسته و به این صورت می خواهد به بشریت اعلام کند که قدرت مسلط بر دنیا این نیروی پنهان است .

حال برای هر سخن و ادعایی دلیلی منطقی و قابل باور لازم است و این سوال مطرح می شود که دلیل شما برای این سخن چیست؟

دلیل اول ما همین روایت متواتر پیامبر اسلام است که با پیشگویی معجزه آسایی دقیقاً 1400 سال پیش نماد اصلی این نیروی شیطانی را به بشریت معرفی نمود تا تمام بشر دشمن اصلی و حقیقی خود را با این نماد آشکار دقیقاً شناسایی و از آن حذرکنند.

دلیل دوم بیانات نویسندگان و دانشمندان متعهد دنیا و افشاگری های آنها بر علیه این نیروی شیطانی می باشد که با وجود خطرات بسیار کتاب های بسیاری برای افشاگری بر علیه این نیروی مسلط جهانی نوشته اند. یکی از این مردان دانشمند و متعهد ، شخصی است به نام دکتر جان کلن ، این شخص به اعتراف خود در اوایل کتاب مشهور خود به نام کمیته ی 300 کانون توطئه های جهانی ، بیان می کند که او افسر ارشد نیروی اطلاعاتی انگلستان بوده است که وقتی در یکی از کشورهای آفریقایی بر روی اسناد طبقه بندی و محرمانه ی این نهاد مطالعه می کرده متوجه مطالب توطئه آمیز این نهاد و همکاری این نهاد با گروهی مخفی و مرموز و توطئه گر به نام کمیته ی 300 شده که با کمک سرویس های جاسوسی و منابع مالی گسترده که در اختیار دارد از 150 سال گذشته به تدریج در تمام شئون سیاسی حکومتی، اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و هنری و نیز رسانه ای دنیا نفوذ پیدا کرده و به تدریج مسلط شده و سالهاست که حاکمیتی شیطانی و مسلط و واحد بر کل کره ی زمین ایجاد کرده که موسوم به حکومت واحد جهانی می باشد و سیاست های خطرناک و توطئه آمیزی را بر علیه بشریت و برای تسلط کامل

و نابودی آنها در دست طراحی و اجرا دارد که برخی از برنامه های آن کاهش جمعیت زمین تا حدود 500 میلیون با ایجاد جنگها و تولید ویروس های همه گیر و نیز غیر صنعتی کردن جهان و دیگر اقدامات جنایتکارانه می باشد.

او در این کتاب می نویسد هدف اصلی این گروه مخفی، بی خدا کردن بشریت و در نهایت نابودی کامل بشر می باشد. او در این کتاب نامهای اعضای اصلی این گروه را که 300 خاندان اکثریت یهودی و 13 پادشاهی چون پادشاهی انگلستان و نیز عربستان و چند پادشاهی دیگر می باشند بیان می کند. و بیان می کند حوزه ی فعالیت این کمیته فراملیتی است که هیچ قانون و قاعده و ارزش انسانی و الهی را برای رسیدن به اهدافش به رسمیت نمی شناسد و همچنین همین کمیته با استخدام دانشمندان نخبه در سراسر دنیا مکتب های سیاسی مختلف و مخالف هم و متعارض چون مکتب سرمایه داری، و کمونیسم و یا فرقه های مذهبی افراطی و تکفیری در دنیا چون داعش و اخوان المسلمین و شیعه ی افراطی و سنی افراطی یا وهابیت را در دنیا به وجود می آورد تا وسیله ی همین مکتب های متضاد پیروان آنها و در یک کلام تمام بشریت را همواره به جان هم بیندازد و آنها را کم کم نابود سازد.

دلیل سوم بیانات روشنگرانه ی قرآن کریم است، در سوره بنی اسرائیل می فرماید: «ای بنی اسرائیل شما دو دوبرار در زمین فساد و برتری جویی بزرگی می کنی، در نوبت اول فساد شما بندگان سخت نیرومند بر شما مسلط می کنیم تا شما را در میان خانه ها نیز تعقیب و دستگیر کنند (شاید اشاره به قتل عام یهودیان توسط بخت النصر پادشاه بابل در هزاران سال پیش باشد و شاید هم قتل عام یهودیان توسط آلمان هیتلری در زمان ما باشد) و وقتی نوبت دوم برای نابودی شما فرا برسد کسانی بر شما مسلط می کنیم تا شما را تا درون مسجد (احتمالا بیت المقدس و مسجد الاقصی) تعقیب کنند و نابود سازند (که به طور قطع سربازان و یاران امام زمان در آخر زمان می باشند)

به هر حال در کتاب کمیته ی 300 بیان می کند که اکثر این 300 خاندان، یهودی و از خانواده های ثروتمند پر نفوذ چون خانواده ی روتشیلد و یا راکفلر در اروپا و آمریکای باشند، و در این آیه هم به صراحت می فرماید شما در آینده فساد و برتری جویی بزرگی در دنیا می کنید، و می دانیم اکنون ادعای برتری و اربابی دنیا را نیز این خانواده های اکثرا یهودی در دنیا دارند و جتلب است تعداد یاران خاص مهدی نیز که خدا آنها را جانشین این خانواده های فاسد برای حاکمیت بر دنیا می کند نیز دقیقا 313 نفر می باشند و در این عدد رازی عمیق نهفته است.

دلیل چهارم: وجود فساد گسترده در عرصه های دینی، سیاسی، اخلاق فردی و اجتماعی، اقتصادی، هنری و فرهنگی در جوامع مختلف در دنیا ی معاصر می باشد. اگر به توصیه های دینی ادیان توحیدی توجه کنیم، خواهیم دید که تمام توصیه هایی که در زمینه های مختلف دینی، حاکمیتی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی، و هنری و فرهنگی به پیران خویش نموده اند، یک سیستم قدرتمند شیطانی مسلط در دنیا دارد درست عکس این توصیه و موازین ادیان توحیدی را

در دنیا اجرا و ترویج می کند و در این کار نیز اصرار و اجبار عجیبی دارد و این اصلا تصادفی نیست و کاملا احساس می شود دستهای پنهان شیطان و ایادی او در این کارها دخالت مستقیم دارد ، مثلا در عرصه ی سیاسی توجه کنید به جای اینکه سران حاکمیت های دنیا بر اساس شورا و رای جمعی و مستقیم مردم و بر اساس ملاک شایستگی های علمی انتخاب شوند اکثر به عکس آن یعنی بیشتر یا با زور نظامی و یا با فریب مردم با شعارهای زیبای به ظاهر دینی و غیر دینی سران آنها بر گرده و سرنوشت مردم سوار می شوند و ظلم و بی عدالتی را به اوج می رسانند و ضمنا ملاک های فضیلت علمی در گزینش آنها تاثیری ندارد و غالبا رهبران و مهره های رده اول این حاکمیت ها از میان احمق ترین و فاسد ترین و فرصت طلب ترین افراد و اقشار جامعه یک شبه به قدرت می رسند و غالبا نیز به صورت دیکتاتوری تا پایان عمر خویش بر آن جامعه حکومت می کنند.

در عرصه ی اخلاق فردی و اجتماعی به عکس توصیه های اخلاقی ادیان فساد غوغا می کند و انواع فساد چون فساد و انحرافات جنسی ، دروغ ، می خوارگی ، ریاکاری ، قتل و آدم کشی و دیگر مفاسد در بین افراد اجتماع رواج و رسمیت یافته .

در زمینه ی اقتصادی برخلاف توصیه های دینی ، انواع مفاسد چون ، رباخواری آشکار و نهادینه چون سود بانکی ، قمار ، پول شویی ، رانت خواری ، خوردن اموال عمومی ، رشوه ، شغل های کاذب با درآمدهای شبهه ناک ، و دیگر مفاسد رواج بسیار پیدا کرده .

در عرصه های هنری و فرهنگی نیز وضعیت بسیار اسف بار است ، در عرصه ی فرهنگی و علمی معمولا علمای واقعی در هر رشته به حاشیه رانده شده و منزوی شده اند و افراد نادان و بدون تخصص و سبک مغز در به اصطلاح دانشگاهها بر کرسی به اصطلاح استادی تکیه داده اند در حالی که بویی از دانش و معرفت در دماغ خود ندارند.

در زمینه هنری علاوه بر اینکه هنرمندان نخبه و واقعی به حاشیه رانده و یا فراری و آواره و یا منزوی شده اند ، و بی هنران دارند خودنمایی می کنند ، بلکه ملاک های واقعی زیباشناسانه ی هنری نیز کم کم چند سال است دارد به فراموشی سپرده می شود و جای آن را ملاک های زشت شیطانی در هنر پر می کند.

در توضیح این امر باید گفت : زمانی یک اثر ماندگار و زیبا در هنر خلق می شود که معیارهای و ملاک های زیبایی شناسانه در آن تا حد زیادی رعایت شود ، میزان هایی چون توازن و تناسب مثلا در هنرهای تجسمی و ریتم در هنر موسیقی ، این ملاک ها هم جنبه ی ازلی دارند و قبل از بروز در این عالم در عوالم روحانی و خداوندی با آن هنر و اثر هنری توأم بوده اند و شخص هنرمند سالم و متعهد چون یک شاعر و آهنگ ساز موسیقی و خواننده ، با آمدن در این عالم با تلاش و ریاضت در خلق یک اثر هنری سعی می کند این ملاک های زیبا شناسانه را که در عالم خداوندی از قبل با اثر هنری توأم بوده را در این عالم دنیا نیز در آن اثر هنری رعایت کند و همین امر باعث ماندگاری آن اثر هنری می شود و شنوندگان و مخاطبان از شنیدن و یا دیدن آن

اثر هنری لذت روحی می برند و به آرامش می رسند ، چون این اثر هنری مجددا آنها را به یاد عالم خداوندی می اندازد و از این جهت ناخودآگاه دچار لذت روحی و آرامش می شوند چون اصولا یاد عالم خداوندی برای روح تشنه ی معنویت انسان دارای جذبه می باشد و باعث آرامش او می شود.

ولی در دنیای کنونی شاهد این می باشیم که در عرصه ی هنر نیز ایادی شیطانی به صورت سیستماتیک دارند در آثار هنری توجه آهنگ سازان و هنرمندان را از رعایت این ملاک های زیبا شناسانه ی ازلی در دل آثار هنری منحرف می کنند و افراد بی هنری را وارد این عرصه می کنند که این ملاک ها را در آثار هنری خود اصلا رعایت نکنند و هنرمندان واقعی که این ملاکها را در هنر خویش رعایت می کنند را به تدریج از عرصه های هنری دور می کنند و به حاشیه می رانند و منزوی می کنند و به آنها تهمت می زنند و حتی گاه آنها را حذف فیزیکی می کنند و این امر باعث شده که عرصه ی هنر نیز چندسالی در رشته های مختلف به ابتذال کشانده شود.

آیا تا کنون با خود فکر کرده اید چرا موسیقی های قدیمی تر برای ما دل نشین تر و بهتر به نظر می آیند و آثار هنری ماندگار تری محسوب می شوند ، علت بی شک همین امر است که بیان گردید. در فیلمهای کنونی اگر دقت شود برخلاف فیلمهای قدیمی که فضایل اخلاقی چون عشق و محبت و فداکاری و ایثار را بیشتر ترویج می کردند به جای این موارد کارگردان اصرار دارد که مسائل غیر اخلاقی و مخالف ادیان چون دروغویی و خیانت و روابط نامشروع و سکس بی معنی و قمار و شرابخواری را بیشتر نمایش و ترویج کند و هر سکانس و صحنه از فیلم در نهایت به یک برهنگی و تخت خواب ختم شود ، آیا این نوع فیلم سازی اتفاقی است و دستی پنهان در ایجاد چنین فیلمهایی در کار نیست. آیا واقعا تمام کارگردانان و بازیگران با اختیار خویش در یک فیلم چندین بار این صحنه ها را می گنجانند یا دست های دیگری در کار است؟

دلیل پنجم از وجود دجال در عصر معاصر کشتار و حذف بی رحمانه ی آزادمردان و مصلحان اجتماعی و سیاسی و علمی و هنری در جوامع مختلف می باشد.

به عنوان مثال همین کشور خودمان ایران را در یکی دو قرن اخیر در نظر بگیرید که یک نیروی پنهان توطئه گر جهانی و فراملی که در کشور مرتبا دخالت می کند و چگونه رجال مهم و مصلحان سیاسی ، اجتماعی ، ادبی را از در مدت کوتاهی از عرصه ی سیاسی و اجتماعی جامعه حذف ، و یا منزوی و یا فراری می دهد ، نمونه ی کامل آن حذف و قتل ناجوانمردانه ی امیر کبیر وزیر کاردان و مصلح مهم سیاس اجتماعی بود که دستهای انگلیس و روس در آن دخیل بود ، در دورانهای بعد روشنگرانی چون ملک المتکلمین و برخی از سران مشروطه به قتل رسیدند ، در زمان رضا ، شعرا و ادیبانی چون فرخی یزدی و میزاده ی عشقی که بر علیه استبداد و توطئه های انگلیس افشاگری می کردند به قتل رسیدند در دوره ی ملی شدن صنعت نفت ، تئوریسین اصلی این نهضت به گفته ی مرحوم دکتر مصدق ، یعنی دکتر حسین فاطمی که وزیر امور خارجه ی دکتر مصدق بود و بیشترین مخالفت را با استبداد داخلی و استعمار انگلیس

و دخالت های او داشت بعد از کودتا بر علیه مصدق به دستور انگلیس اعدام شد و کودتا نیز کار سرویس های جاسوسی سیا و ام آی سیکس انگلیس بود که زیر نظر کمیته ی 300 فعالیت می کردند.

در دوره ی اواخر حاکمیت پهلوی دوم به خاطر اینکه پهلوی دوم به نوعی با برخی از سیاستهای کمیته ی 300 در منطقه مخالفت کرد و می خواست قیمت نفت را به نفع کشورهای منطقه بالا ببرد و نیز سعی می کرد روابط دوستانه با همسایگان منطقه ای را در پیش گرفت و داشت اتحادیه های منطقه ای به وجود می آورد که باعث اتحاد کشورهای این منطقه می شد و سعی می کرد عظمت و تمدن ایران باستان را زنده کند که باز چون این سیاست ها در جهت منافع کمیته ی 300 نبود زمینه ی سقوط او را در انقلاب گونه ای در سال 57 فراهم آوردند. دوران نزدیک به انقلاب و بعد از آن نیز بیشتر روشنفکران و متفکران و مصلحانی چون دکتر شریعتی ، و مرحوم طالقانی و و دکتر چمران و بهشتی و دکتر بنی صدر و بازرگان را نیز که حکم چشمان یک نهضت و چراغ راهنمای مردم در انقلاب و پیشرفت به آینده بودند و بسیاری دیگر در سالهای بعد را با توطئه ای شوم یا از قدرت برکنار یا منروی کردند و یا زندانی نمودند و یا به قتل رساندند و یا از کشور فراری دادند ، و عده ای نادان ، خودفروخته و دست نشاندۀ ی بیگانه را سالهاست بر سرنوشت مردم سوار کرده اند که فقط سیاست های آنها در منطقه چون جنگ افروزی و تنش با همسایگان و تربیت گروههای تروریستی و هدر دادن و غارت منابع ملی را به انجام رسانند ، آیا این حاکمیت های دست نشاندۀ در منطقه و کل دنیا را می توان حاکمیت های صالح و مردمی و نمایندگان واقعی مردم بر سر قدرت دانست. و آیا هر کسی دست های پنهان کمیته ی 300 یا نظام دجال را در کشور ما و در تمام منطقه حس نمی کند .

این موارد که بیان شد بیشتر در کشور ما بود ولی اگر تاریخ همه ی کشورها ی جهان را در یکی دو قرن اخیر مورد مشاهده و مطالعه قرار دهیم همین روند را به عینه مشاهده می کنیم . به نظر شما علت قتل پاتریس لومومبا رهبر آزاده در افریقا چه بود ، چه کسی بر علیه آئندۀ رهبر آزاده ی شیلی کودتا کرد و او را به قتل رساند، چه نهادی بعد از افشاگری و آخرین سخنرانی معنا دار جان اف کندی ریاست جمهوری قبلی آمریکا بر علیه نظام سلطه ی جهانی ، او را بی رحمانه ترور کرد و قاتل او را نیز فراری داد، و برخی دیگر از افراد خانواده ی وی را نیز به نوعی با اتفاقات مرموز حذف کرد. گاندی را چه کسی و به دستور چه نهادی ترور کردند ، ژنرال ضیا الحق و بی نظیر بوتورا چه کسانی ترور کردند و به دستور چه نهادی و چرا و چرا های دیگر که کاملاً برای ما مشخص می کند که یک نیروی توطئه گر و شیطانی برای اهداف خاص در حال مدیریت دنیا می باشد. و این نیروی شیطانی بی شک دجال آخر زمان است که اکنون بیش از صد سال است بر دنیا حاکم شده .

آیا این سیستم شیطانی و کمیته ی 300 نفره یک سرکرده و رهبر نیز دارد؟

با آنکه در کتاب کمیته ی 300 نویسنده در این مورد تصریح نکرده که رهبر و سرکرده ی این گروه شیطانی مسلط بر دنیا کیست ولی در روایات اسلامی تصریح شده این شخص همان دجال نام دارد که در حوالی بیت المقدس به دست مهدی موعود و عیسی ع کشته می شود و بنابراین اکنون نیز قطعا در همان حوالی ساکن است و مدیریت این این کمیته ی شیطانی را که باعث تمام جنگها و خونریزی ها و حتی انتشار ویروس های خطرناک در دنیا می باشد به دست این فرد شیطان صفت است که مناسبات بسیار نزدیکی با ابلیس دارد و فرامین را مستقیما از او می گیرد . در واقع همانطور که مهدی موعود عح در حال حاضر ولی خاص خداست و دستورات الهی برای اصلاح جهان را از او می گیرد دجال نیز همین موقعیت و نزدیکی را با ابلیس و شیطان رجیم دارد و کننرل دنیا اکنون در اختیار اوست ، مردی کوتاه قامت و سبزه و دارای سیبلی کریه.و باید در همان حوالی نیز ساکن باشد که بتواند با سرویس های جاسوسی خویش در کشورهای مسلمان نفوذ کند و آنها را به جان هم بیندازد.

منابع مالی دجال

مسلمانا چنین قدرت شیطانی با دامنه ی نفوذ فراگیر در دنیا باید دارای توان مالی بی نهایت قدرتمندی باشد تا بتواند با کمک این منابع مالی بی کران با اعداد نجومی در تمام ارکان سیاسی و حکومتی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی حاکمیت های دنیا رخنه کند و افرادی را با پول های کلان اجیر کند و به استخدام خود برای مقاصد شیطانی در بیاورد ، حال پرسش اینجاست که این منابع مالی این سیستم شیطانی از کجا تامین می شود در همان کتاب کمیته ی 300 دکتر کلمن به صراحت بیان می کند که این منابع مالی از حدود دو سه قرن پیش توسط کمپانی هند شرقی که از شرکت های وابسته به این کمیته است و کار اصلی آن تجارت عمده ی مواد مخدر در تمام دنیا بوده است، بدست آمده و اکنون این منابع مالی در بانک های سوییس انباشته شده و روز به روز نیز با انباشته شدن سود آن این منابع بیشتر شده است. خب هر سازمانی در دنیا دارای این منابع نامشروع فراوان باشد با این توان مالی قادر به هر کاری در دنیا می تواند باشد. این است که این کمیته در سراسر دنیا افراد پست و بی اخلاق و رذل را به استخدام خود در می آورد و اهداف شیطانی خود را تحقق می دهد و با این قدرت مالی هم بهترین دانشگاهها و مراکز علمی و پژوهشی را به کار می گیرد و هم دانشمندان و نخبگان بزرگ را و از طرفی برای کارهای جنایت آمیز خود آدمکش ها و باندهای مافیایی و نیز نیروهای نظامی عظیمی چون ناتو و ارتش آمریکا را به استخدام خود در می آورد.چون می دانیم سربازان این نیروها. فرماندهان آنها مانند کارکنان یک شرکت حقوق های بالا می گیرند.

دجال چگونه در جوامع عمل می کند؟

گفتیم دجال در لغت به معنی کسی که کارهای زشت را با رو کشی از زیبایی به مردم نشان می دهد تا آنها را فریب دهد .که البته در قرآن می فرماید که شیطان این وعده را داده که برای افراد فریب بشر این روش را به کار می گیرد. بنابراین نظام شیطانی دجال در هر جامعه ای به همین

صورت عمل می کند و با توجه به باورها و علایق مردم هر جامعه و کشوری آنها را از همان راه فریب می دهد مثلا در کشورهای با باورهای دینی و مذهبی چون کشورهای اسلامی ، مردم آن کشور را با شعارهای به ظاهر مذهبی فریب می دهد و در نهایت استبداد هولناک دینی را بر آنها مسلط می کند. در بلوک شرق و کشورهای کمونیستی با شعارهای فریبنده ی حاکمیت توده ی محروم و کارگران آنها را فریب می دهد و دیکتاتوری حزب کارگر یا حزب کمونیسم را بر آنها مسلط می کند و در کشورهای غربی و آمریکا نیز با شعار آزادی های مدنی و آزادی فعالیت آزاد اقتصادی و شعار دموکراسی یا مردم سالاری ، مردم را می فریبد و کم کم قشر ثروتمند جامعه را حاکم بر جامعه می کند چون تمام احزاب سیاسی با تبلیغات گسترده به قدرت می رسند و رسانه ها و دستگاههای تبلیغاتی عمده و خبرگزاری های معتبر و شبکه های رادیو و تلویزیون نیز در انحصار قشر ثروتمند و خانواده های مرفه و پرنفوذ هستند پس به ناچار همین ثروتمندان هستند که رهبران و رییس جمهورها و سناتورها را به قدرت می رسانند و عامه ی مردم چندان نقشی در این مورد ندارند. پس در این کشورها هم نوعی دیکتاتوری ثروتمندان حاکم است و خلاصه به همین صورت در هر نقطه از دنیا دجال در حال فریب مردم با شعارهای به ظاهر زیبا و عامه پسند می باشد و حقیقتا لغت دجال برای این سیستم شیطنانی نامی با مسمی می باشد که در روایات اسلامی برای آن آورده شده است.

دجال چگونه با کمترین هزینه بر دنیا مسلط شده است ؟

دجال برای این کار به جای هزینه های سنگین لشکر کشی نظامی و تصرف سرزمین ها که برخی از جهانگشایان و فاتحان بزرگ انجام می دادند ، رگ خواب تمام حاکمیتها و یا به عبارتی مرکز سیستم عصبی بدن جوامع را در اختیار گرفته و آن نیز نفوذ در سیستم اطاعتی و جاسوسی هر کشوری می باشد به این صورت که وقتی این سیستم شیطنانی در سیستم اطلاعاتی و جاسوسی یک ابر قدرت قدیمی چون سرویس اطلاعاتی انگلستان نفوذ پیدا کرد و سران و افسران ارشد آن را به استخدام خود در آورد از طرفی بر تمام حاکمیت انگلستان و سلطنت وی و نیروهای نظامی و مراکز اقتصادی و فرهنگی آن کشور اشراف اطلاعاتی پیدا می کند و کل حاکمیت آن کشور را به استخدام خود می گیرد و از طرفی چون این کشور یک ابر قدرت بوده که در تمام دنیا دارای متصرفات بسیار و مستعمراتی بوده ، طبعاً بعد از مدتی توان نگهداری و کنترل آن مستعمرات را از طریق قدرت نظامی ندارد ولی می تواند به آنها یک نوع استقلال ظاهری بدهد و در عوض سفارت خود را در آن کشورها باقی گذارد و تعداد زیادی نیز جاسوس از خود در آن کشور باقی گذارد که می توانند این جاسوس ها از همان ملیت هم باشند ولی در خدمت اهداف استعماری انگلیس باشند و از آنجا حقوق بالا بگیرند. و تمام این جاسوسها ماموریت های خودشان را با هماهنگی سفارت انگلستان در آن کشور به نفع انگلستان انجام دهند . البته سران اصلی وزارت اطلاعات و استخبارات آن کشور هم همواره وابسته به انگلیس و منافع او می باشند در این صورت

مسلمانان این سیستم شیطان‌ی بر تمام شئون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آن کشور به ظاهر استقلال یافته نیز اشراف اطلاعاتی دارد و هرگاه بخواهد مهره‌های مخالف منافع انگلستان یا سیستم دجال را در آن کشور ترور و حذف کند و هرگاه بخواهد مهره‌های وابسته به خود را به قدرت برساند و آنها را در قدرت تا آخر عمر ابقا کند و از سقوط آنها در صورت اعتراضات مردمی جلوگیری کند و سران این اعتراضات را نیز خیلی سریع شناسایی و دستگیر و نابود کند.

این روش رایج استقرار نظام شیطان‌ی دجال بر جهان است یعنی همه‌ی این حاکمیت‌ها را از طریق اشراف و نفوذ بر سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی آن کشورها کنترل و مدیریت می‌کند و به این صورت گرچه گاهی نیز از بودجه‌ی همان کشور هزینه‌هایی نیز می‌کند و مثلاً بین‌المللیات یا لمپن‌های شهرهای بزرگ یک کشور مثل ایران زمان کودتای دکتر مصدق پولهایی پخش می‌کند تا بر علیه دکتر مصدق راه پیمایی کنند و یا به نظامیان مبالغه می‌دهد که با نیروی نظامی بر علیه نخست‌وزیر قانونی کودتا کنند. ولی در کل هزینه‌ی تسلط بر حاکمیت‌های پنهان دنیا برای آنها خرج چندانی ندارد به ویژه که تا قران آخرش را هم از بودجه‌ی همان کشور مفلوک پس می‌گیرند و نیازی نیز به هزینه‌ی سنگین لشکر کشی نظامی برای تسلط بر آن کشور وجود ندارد.

نمود فعالیت‌های دجال در کشور ما و کشورهای منطقه.

چگونه در فتنه و دام دجال گرفتار نشویم؟

گفتیم دجال در حکم یک حکومت سایه در کنار حاکمیت آن کشور عمل می‌کند و اختیار و اراده‌ی حاکمیت را به دست می‌گیرد خب این روش را از طریق سرویس‌های جاسوسی خویش انجام می‌دهد که بیان کردیم.

حال پرسش اینجاست این سیستم جاسوسی چگونه یارگیری و تامین نیرو می‌کند؟ چون هر چقدر تعداد نفرات در استخدام این نیرو در کشوری بیشتر باشند او تسلط بیشتری می‌تواند بر کل آن جامعه داشته باشد. برای این کار از انجمن‌های به ظاهر دینی و مذهبی در تمام شهرها و حتی روستاهای دور افتاده در کشورهای اسلامی این منطقه استفاده می‌کند، مثلاً در کشور ما از تشکلهایی چون پایگاه‌های بسیج مساجد استفاده می‌کند و هدف از ایجاد آنها را حمایت و حفاظت از آرمان‌های انقلاب اسلامی و دفاع از ولایت مطلقه‌ی فقیه معرفی می‌کند. خب این پایگاه‌ها با این شعارها ی به ظاهر مذهبی برای خانواده‌های مذهبی جذاب می‌باشند و نوجوانانی که با اعتقادات پاک دینی به این مساجد می‌آیند با این شعارها در دام این پایگاه‌های شیطان‌ی قرار می‌گیرند وقتی این نوجوانان ساده‌دل و مومن جذب این پایگاه‌ها شدند از همان اول به شستشوی مغزی آنها می‌پردازند و حقانیت حاکمیت موجود و لزوم حفاظت از آن را یک تکلیف شرعی معرفی می‌کنند و بعد نیز از آنها می‌خواهند مواظب دشمنان و بدخواهان این حاکمیت در بین مردم باشند و با روش‌های مختلف به آنها می‌آموزند که بین مردم اطراف خود بروند و با

پرسش های گوناگون عقاید سیاسی و مذهبی آنها را در مورد حاکمیت موجود کند و کاو کنند یا به اصطلاح خود آنها ، افراد را تخلیه ی اطلاعاتی کنند، تا بدانند آنها در مورد حاکمیت نظر مثبت دارند یا منفی و عینا مشخصات این افراد را به پایگاه و مسئول آن گزارش دهند تا آنها نیز این اطلاعات را به مقامات بالاتر برسانند و در پرونده ی اطلاعاتی آن شخص ثبت و ضبط کنند و در آینده تمام حرکات و سکنات او را تحت کنترل قرار دهند تا ببینند اگر خطری عمده است او را به نوعی حذف کنند و اگر نیست از استخدام او ولو با وجود استعداد بالا در پست های کلیدی حاکمیت جلوگیری کنند . یعنی به نوعی از این نوجوانان ساده دل در همان مراحل اولیه جاسوس حاکمیت دجال تربیت می کنند و بعد ها نیز بنا به خدماتی که نوجوانان در سالهای قبل به این سیستم دجال داشته اند ، اگر این شخص کودن ترین و بی استعداد ترین فرد جامعه نیز باشد او را در بهترین دانشگاه های کشور با رانت دولتی قبول می کنند و به وی مدرک تقلبی می دهندو به کمک نماینده ی رهبری در ان دانشگاه از استادان دست نشانده بخواهند که به این جوان کودن نمرات قبولی بدهندو بعد از آن نیز بصورت تضمینی و با حقوق بالا او را در رده های بالای حاکمیتی جامعه استخدام می کنند.

الان در کشور ما این روند در جریان است یعنی بالاترین رده های حاکمیتی از بین جاسوسانی تعیین می شود که بیشترین جنایت را در کارنامه ی خود دارند.

در کشورهای دیگر هم همین روند گزینش جاسوس و بعد از آن کادر حاکمیت با اسامی مختلف کم و بیش به همین صورت می باشد مثلا این سیستم شیطنانی در دنیای غرب از طریق گروه های مخفی چون فراماسونها ، گروه بیلدر برگها ، کمیسون سه جانبه ، صهیونیست ها، بلشویکها، اشرافیت سیاه ونیزی و گروه های شیطانپرست و نیز برخی گروه های موسیقی،و انجمن ها و کلوپ های مختلف یارگیری می کند و جاسوس تربیت می کند. بیشتر گروه های به ظاهر با شعارها و اسامی اسلامی که اکنون منطقه را به آتش کشادنده اند سران آنها توسط سرویس های جاسوسی بیگانه و دجال تربیت شده اند از جمعیت اخوان المسلمین افراطی در مصر تا حزب الله لبنان ، از حشد الشعبی در عراق تا فاطمیون در افغانستان ، از حزب الله و کمیته وسپاه و بسیج و دهها نیروی کوفت و زهر مار در ایران تا ارتش سرخ و پلیس حزب کمونیست چین که همه زیر نظر سرویس جاسوسی ام آی سیکس انگلیس هستند که تمام سرویس های اطلاعاتی دنیا نیز زیر نظر آن کار می کنند . خود این سیستم نیز زیر نظر کمیته ی 300 کار می کند. اگر می خواهید به ارتباط حزب شیطنانی کمونیست در چین و روسیه با سرویس جاسوسی انگلیس و نظام دجال پی ببرید می توانید به نماد کمونیست ها در چین و روسیه که پرچم و رنگ سرخ است با نماد انگلیسی ها در لندن که رنگ قرمز یا سرخ است توجه کنید چون این نماد مشترک علامت خوبی برای ارتباط آن نظام های کمونیستی با انگلیس و نظام دجال است و همطور که می دانیم در روایت صحیح پیامبر اسلام نیز آمده که « رنگ قرمز رنگ شیطان است»

وضع به قدری اسف بار شده که اکنون با کمال تاسف در هر خانواده ی چند نفره در کشورهای مسلمان لااقل نصف آنها و یا بیشتر رسماً جاسوس می باشند هر چند در این مورد چیزی هم به خواهران و برادران خویش نیز نمی گویند و از امتیازات مالی و سایر منافع این کار سود سرشار می برند پیامبر اسلام ص در این مورد می فرماید: « در آخر زمان فتنه ای فراگیر در جامعه ی اسلامی به وجود می آید که خانواده ی مسلمانی نیست مگر اینکه این فتنه (آزمایش) در آن وارد می شود» و جای تاسف است این افراد فکر می کنند در حال خدمت به حاکمیت های اسلامی منطقه هستند و دارند به اسلام خدمت می کنند ، در حالی که نمی دانند که عمه ی ظلم و در حال خدمت به نظام شیطانی دجال در جهان می باشند.

بنابراین مومنین آگاه باید بدانند که هر کسی در این تشکلهای شیطانی با نامهای به ظاهر اسلامی باشند در حقیقت خواه ناخواه در خدمت نظام دجال می باشد. بنابراین فردا باید در پیشگاه خدا و امام زمان پاسخگوی اعمال خویش باشند و زمان عقوبت دنیوی اینها در زمان قیام منجی موعود، نزدیک است.

و شناسایی و مجازات آنها نیز کار چندان مشکلی نخواهد بود به خصوص اینکه همه ی آنها دارای یک پرونده و رزومه ی ثبت شده در سیستم دجال می باشند که این پرونده ها و رزومه ها در اختیار منجی موعود قرار می گیرند.

در واقع نظام دجال چون اژدهایی هولناک (همان گونه که بدرستی در دین زرتشتی نیز بدرستی از آن تعبیر به اژدیهاگ کرده اند) می باشد که چون اختاپوسی غول پیکر و زشت بازوان خود را بر هفت اقلیم و یا تمام جهان انداخته و در حال غارت مردم و مکیدن خون و اموال آنهاست و سر آن در حوالی بیت المقدس است و مهدی موعود بعد از قیام و اتحاد دنیای اسلام به بیت المقدس لشکر کشی می کند و سر این اژدهای شیطانی را در هم می کوبد و جهان را از شر آن برای همیشه خلاص می کند و مردم جهان را به سعادت و صلح و آرامش حقیقی به یاری خدا می رساند.

اقدامات دجال برای تحریف مهدویت در عصر حاضر و جلوگیری از قیام مهدوی:

دجال مسلماً دشمن شماره یک مهدی موعود عج می باشد و شناخت او از منجی از بسیاری از شیعیان و مسلمانان بیشتر است. از این رو در عصر حاضر تقریباً به صورت اجمالی و البته نه کامل در جزییات مهدی عج را می شناسد چون او نیز با کارشناسان خبره ی خویش در روایات مهدویت مطالعه و تحقیق می کند و از اهداف اصلاحی وی خبر دارد بنابراین با ایادی خود که بر تمام حاکمیت های دنیا تسلط کافی دارند سعی می کند از قیام وی جلوگیری کند و کاری کند که زمینه های لازم برای قیام و حاکمیت او فراهم نشود.

یکی از اقدامات مهم او در این زمینه لوٹ کردن حقیقت مهدی موعود توسط ایجاد مدعیان دروغین و جعلی در کشورهای اسلامی می باشد البته ایجاد این شخصیتهای جعلی و جریان های

انحرافی فقط شامل خود شخصیت منجی نمی باشد بلکه شامل شخصیت های تاثیر گذار و حامی مهدی عج همچون خراسانی و قیام او و یمانی و نهضت حق طلبانه ی او و نیز حاکمیت اسلامی جعلی با نام حاکمیت اسلام و نائبان عام او می باشد.

در مرحله ی اول دجال سعی می کند که اولاً در شناخت مهدی موعود حقیقی و نسب واقعی وی اختلال و انحراف بوجود آورد که در مرحله ی اول اصولاً مردم مهدی موعود حقیقی را نشناسند و شخصی دیگر را به جای مهدی موعود حقیقی در طول تاریخ لااقل بخشی از آنها مثلاً شیعیان منحرف و یا سنی های منحرف معرفی کند و این امر باعث می شود در صورت قیام مهدی موعود حقیقی ریا، به اصطلاح علمای اسلامی و به خصوص عامه ی مردم خود مهدی حقیقی را نشناسند و او را مانند جوانی شورشی که قصد فتنه انگیزی در جهان اسلام را دارد شناسایی کنند ، چون مهدی موعودی که قبلاً به مردم معرفی کرده اند مشخصاتش با این جوان جور در نمی آید. رسانه های ارتباط جمعی و نیز آخوندهای منحرف نیز که جیره خوار دجال می باشند و در این کار کمک می کنند. در حال هنگام قیام منجی موعود یا یآوری ندارد و یا تعداد یاوران و مومنان به وی بسیار کم خواهد بود و از این جهت ، مشکل است بتواند بر حاکمیت های جور و طاغوتی پیروز شود.

در مرحله ی بعد سیستم دجال تلاش می کند با کمک سرویس های جاسوسی خویش افراد رذل و فرصت طلب را به استخدام خویش در بیاورد تا با نداشتن لیاقت و حتی ظاهر و فیزیک مناسب و گاه بسیار زشت ، ادعای مهدویت کنند که در طول تاریخ از این مدعیان دروغین کم نبوده ولی در عصر حاضر شاهد کثرت این مدعیان دروغین می باشیم .

در مرحله ی بعد سعی می کنند به موازات و در جهت جایگزینی نهضت های مهدوی و خراسانی و یمانی ، نهضت های جعلی با زهبران جعلی به جای آنها بوجود آورند . مثلاً در نظر بگیرید که چند دهه پیش از آن با نام انقلاب اسلامی و کاملاً با هدایت سرویس های جاسوسی غرب و شرق که در اختیار دجال می باشند ، حاکمیتی باطل و شیطانی بوجود آوردند که مدعی بود که این حاکمیت همان حاکمیت در شرق است که زمینه ی انقلاب مهدی را فراهم می کند و افراد و روشنفکران حق طلب واقعی چون مرحوم شریعتی و طالقانی و چمران و باهنر و رجایی و دیگران را که به منزله ی چشم روشن بین جامعه بودند را در اوایل انقلاب از میان برداشتند و مهره های مورد قبول خود را که برنامه های آنها را در منطقه اجرا می کنند به روی کار آوردند و از سقوط آنها تا به حال نیز جلوگیری کرده اند. تا سدی محکم برای ایجاد انقلاب مهدی ایجاد کنند ، هر چند شعارهای آنها خلاف اینها باشد.

رہبر این نهضت در اهمیت حفظ این نظام شیطانی در اوایل انقلاب گفت: «حفظ نظام از حفظ جان یک نفر ولو امام زمان واجب تر است» و این سخن هدف و نیت اصلی ایجاد چنین حاکمیتی را به خوبی بیان می کند .

در مرحله ی بعد در افغانستان فتنه ی طالبان را به وجود آوردند و سعی داشتند به طور کامل آنرا را به قدرت برسانند ، چون می دانستند که قیام خراسانی واقعی که از خراسان و شرق شروع می شود و زمینه ساز انقلاب و حاکمیت مهدی است از این منطقه یعنی خراسان ایران و افغانستان که در قدیم خراسان بزرگ محسوب می شد ، شروع می شود پس سعی کردند سه سد بزرگ یعنی حاکمیت دست نشاندۀ ایران و حکومت دست نشاندۀ دجال و نیز طالبان افغانستان را برای جلوگیری از شکل گیری این نهضت به وجود آورند تا خیال خود را از این جهت راحت کنند ، چون با وجود این دو حاکمیت دست نشاندۀ و نیز نیروی نامنظم طالبان که آن را نیز سرویس های جاسوسی غرب و دجال به وجود آورده اند ، دیگر مجال و جولانگاهی برای قیام خراسانی واقعی که زمینه ساز نهضت مهدی است از خراسان و شرق باقی نمی ماند.

در مرحله بعد شروع کردند به ساختن سه سد دیگر در عراق و سوریه برای نهضت مهدوی یعنی ابتدا حکومتی شیعی وابسته به ایران که خود دست نشاندۀ سرویس های جاسوسی غرب و دجال است به وجود آوردند و بعد برای اطمینان بیشتر در دل همین حاکمیت دست نشاندۀ نیز جریانی جعلی و یمانی جعلی و دروغین با نام احمد الحسن بصری معروف به یمانی با ادعای فرزند و نایب امام زمان بوجود آوردند و از طریق فضای مجازی و دیگر رسانه ها و چراغ سبز حاکمیت ایران اکنون در حال تبلیغ و جا انداختن این حرکت انحرافی در بین مردم منطقه می باشند. از طرفی با ایجاد اغتشاش و دگیری عمدی در سوریه بین گروه های مخالف و تضعیف کردن حاکمیت این منطقه دارند شرایط را برای به قدرت رسیدن سفیانی که حتما دست نشاندۀ و مزدور غرب است فراهم می آورند

حال دستهای دجال را در این کار می توان به وضوح مشاهده کرد. در صورت قیام قائم آل محمد ص از ناحیه ی شمال ایران یعنی قزوین و گیلان و طالقان حاکمیت جعلی اسلامی (یا همان حاکمیت بنی عباس دوم در روایات اسلامی) که دست نشاندۀ غرب و دجال است مسلما در برابر این قیام با تمام توان نظامی و رسانه ای خواهد ایستاد و در صورت قیام خراسانی حقیقی طبق روایات از شرق و خراسان طالبان و حکومت دست نشاندۀ غرب در افغانستان با این نهضت برخورد خواهد کرد و چون در این منطقه دو نیرو نظامی غرب یعنی طالبان و حاکمیت افغانستان وجود دارند پس خراسانی حقیقی شانس چندانی برای پیروزی ندارد. تا بتواند در صورت قیام قائم آل محمد از شمال ایران ، به کمک او برود چون این قدرت دست نشاندۀ به موقع به سخن اربابان غربی خود گوش می دهند و با این نهضت برخورد نظامی خواهند کرد، از طرفی اگر نیز این دو نهضت در شرق و خراسان و شمال ایران پیروز شوند، و به طرف عراق برای شکست سفیانی که یک جریان افراطی سنی می باشد و از طرف غرب از شام و یا سوریه برای مقابله با مهدی به عراق و بعد ایران فرستاده می شود، حرکت کنند ، در عراق جریان انحرافی و جعلی یمانی جعلی یا احمد الحسن بصری ، با تبانی با حاکمیت دست نشاندۀ ایران در عراق و نیز سفیانی ، هم جلو حرکت لشکر مهدی از ایران و هم جلو نهضت یمانی را از یمن می گیرند تا این دو در عراق به هم نپیوندند و بعد به سمت فلسطین و به سوی بیت المقدس که محل استقرار دجال است حرکت نکنند.

تطبیق روایات دجال با اشخاص امروزی:

در روایات دجال علاوه بر تصریح دجال بزرگ که در روایات اسلامی در حوالی بیت المقدس می باشد و بر تمام دنیا حاکم است و توسط امام مهدی و یا عیسی مسیح ع به قتل می رسد از خروج دجال از سه ناحیه از شرق و ایران سخن به میان می آید : در روایت اول از پیامبر روایت شده که خروج دجال از اصفهان خواهد بود در روایت دیگر اهل بیت آمده خروج دجال از سیستان خواهد بود و در روایت بعدی خروج دجال از شرق و خراسان معرفی شده . حال آیا این روایات را می توان بر برخی اشخاص امروزی تطبیق کرد؟

در اینجا باید بیان کرد که بله کاملاً امکان دارد چون پیامبر اسلام و اهل بیت او هیچ سخنی را بیهوده بیان نکرده اند در اینجا به بررسی سه شخصیت پر نفوذ در حاکمیت بنی عباس دوم یا جمهوری اسلامی و عملکرد دجال گونه ی آنها در عصر معاصر می پردازیم . نخستین آنها احمد جنتی است که شخصیتی بسیار مرموز و موزی و تاثیر گزار در این حاکمیت می باشد. در ابتدا باید متذکر شویم که این شخص در اصفهان به دنیا آمده یعنی مشخصه ی اصلی دجال را دارد و در زمینه ی عملکرد سیاسی او باید بیان داشت این شخص از اوایل دهه ی 60 بعد از آن ترورها بر علیه شخصیت های درجه اول نظام چون آیت الله طالقانی و مطهری و رجایی و باهنر و بهشتی ، به طرز مشکوکی به ریاست شورای نگهبان برگزیده شد و اکنون در حدود چهل سال است این سمت مهم را دارد و تمام مهره های حاکمیت را وی رد صلاحیت می کند و یا صلاحیت آنها را تایید می کند یعنی در حقیقت همه کاره ی حاکمیت قطعاً اوست و جای پرسش اینجاست که چرا تاکنون کسی نتوانسته جای او را بگیرد البته وی در خبرگان رهبری نیز در این مدت عضویت داشته که وظیفه اش نظارت بر کار رهبر و انتخاب رهبری نیز می باشد. پس او می تواند به عنوان مهره و دست نشانده ی دجال جهانی در ایرانی اوامر او را در این کشور به خوبی اجرا کند و این همه ظلم و فساد در خاورمیانه و ایران ایجاد کند. پس در دجالیت وی نمی توان شک کرد.

دومین شخصیت دجال گونه اکبر هاشمی رفسنجانی است که متولد رفسنجان از توابع کرمان است در تقسیمات کشوری زمان قدیم استان کرمان و شهر رفسنجان جزء استان نیمروز یا سیستان قدیم بوده است چون از نظر جغرافیایی نیز در جوار هم قرار دارند . پس این شخص نیز ویژگی اول دجال را دارد که در حوالی سیستان قدیم به دنیا آمده و اما از نظر عملکرد سیاسی باید گفت این شخص از دهه ی 60 و بعد از ترور شخصیت های مشهور چون مرحوم طالقانی و مطهری و رجایی و باهنر و بهشتی و باهنر و به خصوص بعد از کودتا بر علیه ریاست جمهوری قانونی ابوالحسن بنی صدر در صحنه ی سیاسی کشور به ناگهان نمود بیشتری پیدا کرد وی بخصوص در برکناری بنی صدر در مجلس شورای اسلامی نقش پر رنگ و موثری داشت ، و بعد از آن

ترورها نیز هیچگاه از چشم مردم در رسانه ها و نیز صحنه ی سیاسی کشور غایب نشد وی در آن دوران مقام مهم ریاست مجلس را به طور مرموزی برعهده داشت و بلافاصله بعد از کمک به انتصاب رهبری علی خامنه ای به ریاست جمهوری رسید و بعد از آن نیز مقام مهم ریاست مجمع عالی تشخیص مصلحت نظام را سالها به عهده داشت وی در حذف رهبر انقلاب، خمینی درست در زمانی که دوره ی ریاست جمهوری خامنه ای تمام شد و انتصاب رهبری خامنه ای نقش مهمی داشت . در قتل احمد خمینی فرزند رهبر نیز نقش مهمی بازی کرد تا موانع رهبر را از پیش راه بردارد. وی هنگامی که بر سر قدرت با رهبری اصطاک پیدا کرد به طرز مرموزی جان سپرد.

شخص دجال گونه ی سوم علی خامنه ای است که در خراسان یا شرق به دنیا آمده و یا لااقل بزرگ شده و رشد یافته ی خراسان و شرق ایران است پس او هم مشخصه ی اصلی دجال را در روایات اسلامی دارا می باشد و این شخص مدتی قبل از انقلاب در روسیه ی کنونی در دانشگاه پاتریس لومومبا تحصیل و یا به تعبیر بهتر دانش سیاسی و جاسوسی فراگرفته و در جریان انقلاب و اوایل پیروزی آن در مقابل شخصیت های آزاده ای چون آیت الله طالقانی و مطهری و بهشتی فروغ و پرتو چندانى نداشت ولی بلافاصله بعد از ترور این شخصیتها و کودتا بر علیه بنی صدر به صورت مرموز وی با تقلب بسیار به مقام ریاست جمهوری انتصاب شد و به طرز مشکوکی بعد از این وقایع به یکباره ترورها قطع گردید و چند روز مانده به تمام شدن دوره ی ریاست جمهوری وی رهبر انقلاب به طرز مشکوکی ظاهرا بر اثر بیماری درگذشت و جالب است که تیم پزشکی که وی را درمان می کرد زیر نظر مستقیم هاشمی رفسنجانی کار می کرد در این حال در یک نمایش مرموز طی جلسه ای خبرگان رهبری با نفوذ مستقیم هاشمی که جنتی نیز در آن مشارکت فعال داشت ، با نداشتن بسیاری از صلاحیتها به رهبری انتخاب شد در حقیقت می توان گفت این سه دجال اصفهان و سیستان و خراسان در روایات اسلامی از اوایل دهه ی 60 همه کاره ی این حاکمیت شیطنانی بوده اند و می توان با قاطعیت گفت این مثلث شیطنانی نمایندگان دجال جهانی در ایران و خاورمیانه می باشند که بسیاری از جنگها و فتنه ها را در منطقه و بین کشورهای اسلامی مدیریت می کنند و فقط مرگ نیز این افراد را از مقام خود جدا می کند.

بنابراین از اینجا می توان به صداقت روایات اهل بیت ع و پیامبر ص در مورد ویژگی های دجال در عصر حاضر پی برد.